

بررسی تطبیقی دیدگاه‌های فمینیستی در رمان‌های سال‌های ابری و مثل آب برای شکلات

ندا مراد*

تاریخ دریافت: ۹۷/۲/۱۰

امیر حمزه حسنوند**

تاریخ پذیرش: ۹۷/۸/۲۷

هدا مشهدی زاده***

چکیده

ادبیات تطبیقی حوزه‌ای از پژوهش‌های ادبی است که در آن آثار دو یا چند نویسنده از دو زبان و ملیت متفاوت با یکدیگر مقایسه می‌شود. در این بین، نویسندگان در تصویرسازی‌ها، شیوه بیان احساسات، انتخاب قالب‌ها و موضوعات و ترجمه‌ها از هم تأثیر و تأثر می‌پذیرند. در این مقاله دیدگاه‌های فمینیستی در رمان «سال‌های ابری» اثر پرینوش صنیعی و «مثل آب برای شکلات» اثر لائورا اسکوئیول از زاویه دید فمینیستی در یک مقدمه و دو گفتار، با روشی توصیفی-تحلیلی بررسی به همراه شاهد مثال، بازخوانی می‌شود. مطالعه و تحلیل دیدگاه‌های فمینیستی این دو رمان نشان می‌دهد که تلاش برای شناساندن هویت و بازنمایاندن مظلومیت زنان و حقوق از دست رفته آنان، در نظام مرد سالاری وجه مشترک این دو اثر، بوده است. نویسندگان هر دو رمان، با موضوع و درونمایه‌های مشترک، جایگاه و وضعیت زن را بیان نموده‌اند. آنان روایتگر این بینش دیدگاه فمینیستی هستند که مرد سالاری در ذهن و زبان جوامع، نفوذ کرده و یکی از راه‌های پاک کردن این ذهنیت، تعظیم و بزرگداشت زنان است.

کلیدواژگان: رمان، ادبیات تطبیقی، مرد سالاری، زن.

* مدرس گروه آموزش زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فرهنگیان شهید رجایی قزوین. neda_morad@yahoo.com

** مدرس زبان و ادبیات فارسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خرم آباد.

*** دکتری زبان و ادبیات فارسی پردیس کیش دانشگاه تهران.

نویسنده مسئول: ندا مراد

مقدمه

ادبیات هر عصر، آیینه تمام‌نمای آن عصر است و مطالعه ادبیات هر دوره‌ای ویژگی آن دوره را بیان می‌کند. این امر به ویژه در گونه‌های نوین ادبیات، به ویژه رمان مشهود است؛ رمان «نوعی از ادبیات داستانی است و ادبیات داستانی هنر و فن ابداع و بازنمایی زندگی بشری از طریق بکارگیری واژگان مکتوب برای آموزش یا دگرگونی آن و یا هر دو می‌باشد» (آزند، ۱۳۷۴ ش: ۱۰). نویسندگان هر دوره با بیان آراء و نوشته‌های خود، توانسته‌اند مشکلات و اوضاع جامعه را در قالب رمان، عرضه نمایند. از جمله این مصائب و مشکلات، موضوع زنان و رنج‌های آنان در جامعه مردسالاری است که نظر بسیاری از نویسندگان و منتقدان فمینیستی را به خود جلب کرده است. در واقع رمان ابزاری است که نویسندگان، برای بیان اندیشه‌های خود، از آن بهره می‌جویند. در میان نویسندگان، زنان رمان نویس نگرشی خاص، نسبت به جنس خود دارند و با ادبیاتی زنانه و دیدگاه‌های متفاوتی به بیان و دفاع از حقوق از دست رفته خود می‌پردازند.

پرینوش صنیعی و لائورا اسکوتیول از رمان‌نویسان معاصر هستند که در دو رمان «سهم من» و «مثل آب برای شکلات» با دیدگاه‌های فمینیستی به بیان وضعیت زنان در خانواده و جامعه پرداخته‌اند. نویسندگان، در ارائه تصاویری ساده و تأثیرگذار از گرفتاری‌ها و دل‌مشغولی‌های روزمره هم‌جنسان خویش، روایت کرده و زن را به عنوان شخصیت اصلی و قهرمان داستان خود قرار داده‌اند. از دیگر وجوه اشتراک این دو نویسنده می‌توان به توانایی آن‌ها در وصف و خلق شخصیت‌های داستانی و توانایی‌شان در مشاهده امور جزئی اشاره کرد. به عنوان مثال هر دو نویسنده با صراحت، طرح دقیقی از ساختار روانی و شخصیتی زنان ارائه می‌دهند و هر دو ذهنیت و دیدگاه مشابهی نسبت به ترسیم گوشه‌هایی از سبک زندگی، مشکلات و جایگاه زنان دارند.

پرسش‌های این پژوهش عبارت‌اند از:

- آیا نویسندگان این دو رمان، توانسته‌اند دیدگاه‌های فمینیستی خود را در این دو اثر بگنجانند؟

- آیا مصادیق بیان شده در این دو رمان، با شرایط موجود زنان جامعه، مطابقت دارد؟

- با بیان دیدگاه‌های فمینیستی این دو نویسنده، آیا می‌توان این دو اثر را در گروه رمان‌های رئالیستی قرار داد؟

پیشینه تحقیق

کمیت آثار تحقیقی در حوزه ادبیات تطبیقی به ویژه داستان و رمان، با توجه به عمر نه چندان طولانی ادبیات داستانی، چندان قابل ملاحظه نیست. هرچند در این مدت کوتاه آثار ارزنده‌ای ارائه شده است؛ اما همچنان عرصه برای پرداختن در این حوزه وسیع باز است. از آن جمله آثار نوشته شده مرتبط با موضوع این مقاله، می‌توان به پایان‌نامه «شخصیت و شخصیت‌پردازی در دهه‌های ۸۰ با تأکید بر آثار پرینوش صنیعی»، از تکین حمزه‌لو، سیامک گلشیری و آمنه منتظمی‌نیا (۱۳۹۰ش) و مقاله «تحلیل رمان سهم من از دیدگاه فمینیستی» نوشته سلما ساعدی (۱۳۹۴ش) اشاره کرد؛ اما درباره آثار اسکوئیول، علی‌رغم اینکه بارها تجدید چاپ شده است و علی‌رغم اینکه رمان‌های برتر، همواره موضوع پژوهش، ارزیابی، نقد و حتی عنوان مقاله نویسندگان قرار می‌گیرد؛ اما تاکنون، مقاله‌ای در این مورد یافت نشده است.

از این رو نویسندگان در این اثر، قصد دارند به بررسی دیدگاه‌های فمینیستی در رمان «مثل آب برای شکلات» و رمان «سهم من» بپردازد. آثار ارزشمندی که بیان‌کننده ذوق ادبی و هنری دو رمان‌نویس معروف ایرانی و مکزیکی است.

معرفی لائورا اسکوئیول

لائورا اسکوئیول نویسنده مکزیکی است که در سال ۱۹۵۰م متولد شد. رمان‌نویسی و فیلمنامه‌نویسی به سبک واقع‌گرایی جادویی پیشه اصلی او است. او در سال‌های ۱۹۷۹م و ۱۹۸۰م برای سریال‌های فرهنگی کودکان برای تلوزیون مکزیکی می‌نوشت. کار در تلوزیون او را به نوشتن فیلمنامه برای سینما علاقه‌مند کرد و همین سرآغاز تصمیم او برای نگارش کتاب «مثل آب برای شکلات» در سال ۱۹۸۹ بود. از آثار دیگر او می‌توان به رمان‌های «قانون عشق» (۱۹۹۵م)، «مستان صمیمی» (۱۹۹۸م)، «ستاره

دریانورد کوچک» (۱۹۹۹م)، «کتاب عواطف» (۲۰۰۰م)، «به سرعت آرزو» (۲۰۰۱م)، «مالینچه» (۲۰۰۶م) اشاره کرد.

معرفی پرینوش صنیعی

پرینوش صنیعی رمان نویس ایرانی است که در سال ۱۳۲۸ش در تهران به دنیا آمد. او که در رشته روان شناسی فعالیت دارد، در داستان‌های خود با گرایش به شیوه واقع‌گرا، اغلب به بیان مشکلات زنان در جامعه می‌پردازد. از رمان‌های شناخته شده او می‌توان به «پدر آن دیگری» (۱۳۸۳ش)، «رنج همبستگی» (۱۳۸۵ش) و «سه‌م من» (۱۳۸۱ش) اشاره کرد. رمان «سه‌م من»، یکی از پخواننده‌ترین رمان‌ها در سال‌های اخیر بوده که در سال ۱۳۸۹ش وارد بازار ایتالیا و برنده جایزه «بوک‌اچو» شد. این رمان تا کنون به ۲۱ زبان ترجمه شده است.

خلاصه رمان مثل آب برای شکلات

ماجرای این رمان، در مکزیک اوایل قرن بیستم، اتفاق می‌افتد. «تینا» (کاواسوسی) که شخصیت اصلی رمان «مثل آب برای شکلات»؛ سومین و کوچک‌ترین دختر خانواده دلاگرازا است. او هنگام به دنیا آمدن، پدرش را از دست داده و به خاطر دلایلی که مادرش «ماما النا» دارد، به همراه یکی از خدمتکاران به نام «ناچا»، به دور از مهر و محبت مادری، در آشپزخانه بزرگ می‌شود.

تینا، قربانی سنت‌های کهنه و پوسیده جامعه خود می‌شود. جامعه‌ای که او را از حق طبیعی و انسانی و رسیدن به «پدرو مارکویز» (لئوناردی) و بعد دکتر جان براون که خواستگار او هستند محروم می‌کند؛ زیرا او کوچک‌ترین دختر خانواده است و طبق رسم قدیمی، دختر کوچک هرگز نباید ازدواج کند و تا زنده است باید در خدمت مادر باشد. با این سنت، مسیر اصلی زندگی تینا تغییر می‌کند. در دوازدهم ژانویه او به طور غیر منتظره‌ای، شاهد ازدواج اجباری پدرو با خواهر بزرگش «روسورا» می‌شود. ثمره این وصلت، پسری به نام «روبرتو» است. تینا به خواهرزاده خود، بسیار علاقه‌مند می‌شود و کودک نیز با او انس عجیبی می‌گیرد. پس از مدت کوتاهی «روبرتو» می‌میرد و تینا که

بسیار ناراحت و غمگین، است مادرِ اِلنا را مقصر واقعی می‌داند. پس از مشاجره‌ای سنگین و زد و خورد شدید تینا، مجبور به ترک خانه می‌شود. او زمانی به مزرعه برمی‌گردد که مادرِ اِلنا رو به مرگ است. تینا سعی می‌کند به اقتصاد و کانون از هم پاشیده خانواده نظم بدهد. در این بین «اسپرانزا» دختر روسورا به دنیا می‌آید. از آنجایی که او تنها دختر خانواده است؛ طبق رسم خانوادگی، بر پیشانی او نیز، همچون خاله‌اش تینا، خدمت به مادر تا آنگاه که مرگش فرا رسد، ثبت شده است. تینا، در مقابل سنت و بی‌عدالتی‌های ناشی از اقتدار غیر منطقی این باورها، مقاومت و تلاش می‌کند تا او را از دست افکار مسموم خواهرش روسولا، نجات دهد (اسکوئیول، ۱۳۸۶ش: با تلخیص).

خلاصه رمان سال‌های ابری

ماجرای این رمان، از اوایل دهه سی آغاز می‌شود. معصومه (معصوم)، دختر نوجوان دبیرستانی یک خانواده مذهبی است که به همراه پدر، مادر، مادربزرگ و سه برادر مُتَعَصِّب، برای زندگی از قم به تهران مهاجرت می‌کند. او در راه مدرسه به شاگرد یک داروخانه، به نام مسعود دل می‌بازد؛ اما دخالت خانواده معصومه باعث می‌شود که او خیلی زود، این عشق نوجوانی را فراموش کند و به بهانه آبروریزی، از رفتن به مدرسه منع می‌گردد. به واسطه این اتفاق، حتی حق ارتباط با بهترین دوست و همکلاسی‌اش «پروانه» و ارتباط با دنیای خارج از او سلب می‌شود.

در نهایت، معصوم به رسم معمول با خواستگاری به شیوه سنتی به عقد حمید که یک انقلابی جوان است درمی‌آید. ازدواج با غریبه‌ای که تا روز مراسم، او را ندیده است. حمید که درگیر مبارزه سیاسی با رژیم پهلوی است، پس از ازدواج اغلب اوقاتش را در جلسات گروهی می‌گذراند و هر قدر مبارزات مردمی بر علیه شاه، شدت می‌گیرد، غیبت‌های او نیز بیش‌تر می‌شود؛ تا آنجایی که حمید خرجی او را تنها برای مدت کوتاهی می‌دهد و حتی تولد سیامک و سعید، نیز ارتباط آن دو را عمیق نمی‌کند.

با پیروزی انقلاب، معصوم امیدوار می‌شود حالا که مبارزه حمید به نتیجه رسیده اوضاع خانواده او هم تغییر کند؛ اما طوفان و تلاطم، همچنان در زندگی او ادامه می‌یابد و

زندگی او را در هم می‌کوبد؛ زیرا حمید به عنوان یک کمونیست دوآتشه، اعدام می‌شود و پسر دوم معصوم که به تأسی از پدر، گرایشاتی به سمت حزب مجاهدین دارد به زندان می‌افتد. در ادامه معصوم که سایه حمایت مردی را در کنار خود احساس نمی‌کند، به عنوان همسر یک کمونیست و مادر یک مجاهد از ادامه تحصیل، کار و سایر حقوق شهروندی بازمی‌ماند (صنیعی، ۱۳۸۲ش: با تلخیص).

بررسی تطبیقی دیدگاه‌ها و اندیشه‌های فمینیستی

منتقدان فمینیسم مانند *لوس ایریگاری*، *هلن سیسکو* و *ژولیا کریستیوا* معتقدند شرایط اجتماعی خالقان آثار، در کیفیت و محتوای آثار پدید آمده مؤثر است. این نظریه پردازان فمینیست، اعتقاد دارند که تسلط مردان بر زنان در جامعه، اقدامی خشونت‌آمیز است که تمامی جوانب زندگی و وجودی زنان را تحت تأثیر قرار داده است. «بنابراین نظریه نه‌تنها زبان، که در فرهنگ به طور عام مرد سالارانه رواج دارد، ادبیات نیز با زبان و دیدگاه‌های مردانه و مرد سالارانه صورت گرفته است. این است که می‌توان نقد فمینیستی را از دیدگاه *شووالتر* به دو نوع تقسیم کرد. ارزیابی و نقد مجدد آثار زنان و ارزیابی و نقد مجدد ادبیات از دیدگاه زنان» (شمیسا، ۱۳۸۱ش: ۳۳۲). همانند نویسندگان دو رمان مثل آب برای شکلات و رمان سهم من که با بکارگیری مهارت ادبی و هنری خود، از زوایایی مشترک به مشکلات زنان را ارزیابی کرده‌اند. آنان، در این دو رمان، از یک سو با نگرشی فمینیستی جامعه مرد سالار را نقد کرده و از سوی دیگر با اشاره به پدیده جنگ و تبعات آن در جوامع شرقی و غربی، که اغلب، گریبانگیر زنان نیز می‌شود، مخاطبان را تحت تأثیر می‌کند. در ادامه محورهای موضوعی و دیدگاه‌های مطرح شده در دو رمان مثل آب برای شکلات و رمان سهم من، با ارائه شواهد مرتبط از متن با دیدگاه‌های فمینیستی بیان می‌شود.

دیدگاه خرافی نسبت به زن

اعتقادات خرافی از جمله باورهایی است که می‌توان از علل اصلی عقب ماندگی جوامع به شمار آورد. این افکار موهوم و خیالی، افراد را از تدبیر مسائل بر اساس منطق و

برنامه‌ریزی بازداشته و تهدیدی در جهت پیشرفت و توسعه جامعه محسوب می‌شود... گاه به دلیل مشکلات اجتماعی، بروز فقر و بیکاری و تنش‌های ناشی از آن، خرافات مورد توجه و اقبال اکثریت افراد جامعه قرار می‌گیرد و مردم بسیاری از امور زندگی خویش را بر اساس این باورها و خرافاتی نظیر سعد و نحس، حرز و تعویذ، سحر و جادو و غیره تنظیم و برنامه‌ریزی می‌کنند. در برش‌هایی از دو رمان «مثل آب شکلات» و رمان «سهم من»، دیدگاه خرافاتی نسبت به زنان به تصویر کشیده می‌شود. دیدگاه سنتی و مرد سالاری که، تولد دختر را ننگ می‌داند.

«وقتی فاطمی به دنیا آمده بود، تا به ننه جون گفتند بچه دختر است غش کرد، تازه او مشکل دیگری هم دارد می‌گویند: سرخور هم هست چون دو پسر بعد از او سقط شده» (صنیعی، ۱۳۸۲ش: ۶۸) و «تنها دو روز از تولد تینا گذشته بود که پدرش، در اثر حمله قلبی دار فانی را وداع گفت. از این ضربه و هول و تکان آن، ماما لنا اعراض کرد و شیرش خشک شد...» (اسکوئیول، ۱۳۸۶ش: ۹) و در نتیجه به خاطر دیدگاه خرافاتی و دلایلی که مادر «ماما لنا» دارد، تینا به همراه یکی از خدمتکاران به نام «ناچا»، در آشپزخانه بزرگ می‌شود و از محبت مادری بهره‌ای نمی‌برد.

تحقیر زنان در نظام ناهماهنگ مردسالاری

آبراهام مزلو (۱۹۰۸-۱۹۷۰م) در هرم روان‌شناسی خود، «نیازهای اساسی را شامل گرسنگی، محبت، عزت نفس و امنیت و فرایندها را زیبایی، عدالت، خیر، جامعیت و نظم دانسته و اعلام نموده تنها افرادی که به نیازهای اساسی و فرایندهای آنان، پاسخ داده شود؛ تبدیل به افراد خودشکوفا خواهند شد» (نوردبی و هال، ۱۳۸۶ش: ۱۶۲). از همان آغاز رمان، از زبان ماما لنا می‌توان فهمید که تینا وصله ناجوری برای خانواده است. از این رو بارها مورد تهدید و توهین مادر لنا قرار می‌گیرد.

روزی که تینا با مادر لنا مشاجره می‌کند. به فرمان او، سه روز در لانه کبوتران (کبوتر خان) گرسنه و تشنه زندانی می‌شود تا مجازات شود و کسی اجازه نزدیک شدن به او را ندارد. «صبح روز بعد ماما لنا به چنچا دستور داد تینا را از کبوترخان پایین بیاورد... هرچند دلش لک می‌زد خودش بالا برود و چنگ بیندازد توی موهای دخترک و او را

کشان کشان پایین بیاورد... چنچا تینا را در حالی یافت که جوجه کبوتر به بغل، در گوشه‌ای کز کرده بود... تینا نگاهش را بالا آورد. چشمانش خالی بود، چنان به چنچا زل زد که گویی قبلاً هرگز او را ندیده است. چنچا از نردبام پایین آمد و گفت که تینا مثل دیوانه‌ها شده و حاضر نیست از کبوترخان پایین بیاید. مادر النا گفت: بسیار خوب، اگر دیوانه بازی در می‌آورد، پس جایش در دیوانه خانه است. در این خانه برای خُل و چل‌ها جایی نداریم و بی‌درنگ فیلیپ را پی دکتر براون فرستاد تا تینا را به تیمارستان ببرد» (اسکوئیول، ۱۳۸۶ش: ۹۸). بی‌توجهی به دختر در تفکر سنتی تا به حدی است که وقتی اعضای خانواده ماجرای جان دادن زری، تنگی نفس، خس خس سینه و تند تند بالا و پایین رفتن شکمش را می‌بینند و مادر فریاد می‌زند آقا مصطفی حالش به خدا خیلی بده، برو براش دکتر بیار، ننه جون می‌گوید: «خوبه خوبه، شلوغش نکن، دل پسر مو آب کردی، ننه طوریش همیشه، جوشونده رو گذاشتم دم بکشه. الان بهش می‌دم. تا تو برگردی خوب شده، برو دیگه اینجا واینستاد... برو ننه، خیالت جمع دخترا نمی‌میرند...» (صنیعی، ۱۳۸۲ش: ۶۵).

محکومیت عشق حتی از نوع پاکش

عشق از مباحث عمده در علم روان‌شناسی به شمار می‌رود و روان‌شناسان برجسته‌ای چون استرنبرگ، رنه آلدی، آبراهام مزلو و اریک فروم درباره عشق، نظریات مفصلی ارائه دارند. این روان‌شناسان، همگی بر این باورند که عشق حقیقی و سالم، موجب ترقی وجود انسان می‌گردد و روح و روان انسان را پرورش می‌دهد. در واقع «آنچه در مسأله وجودی انسان، جلب توجه می‌کند، این است که منشأ اولیه عشق‌ورزی، غرایز حیوانی و خلق و خوی طبیعی است؛ اما انسان می‌تواند با گسترش توان فکری و قدرت منطق خود، به هماهنگی لازم با طبیعت برسد و خلق و خوی انسانی را به جای خصایلی که پیش از این تجربه کرده است، برگزیند» (فروم، ۱۳۸۸ش: ۲۷) اما در جامعه آشفته و بهم ریخته ارزش‌ها و نظام ناهماهنگ بین مرد و زن، نه تنها عشق پاک، محکوم است و عاشق به معشوق واقعی خود نمی‌رسد؛ بلکه در پایان به دخمه رکود، انزوا و مرگ پرتاب می‌شوند. در هر دوی این رمان‌ها نمونه‌هایی از عشق‌های پاک روایت می‌شوند. سعید و

پدرو هر دو عشق‌شان واقعی و پاک است؛ اما در جریان داستان، نیازهای ذاتی این دو به طور طبیعی برطرف نمی‌شود؛ از این رو، در گفت‌وگو، لحن و فضا سازی‌های رمان‌ها، مخاطب همواره با افسردگی‌های عمیق و برخوردهای عصبی آنان مواجه می‌شود. در ادامه سعید و پدرو در صدد انتقام از زنانی‌اند که به اجبار به آنان تحمیل شده است. «سعید» بعد از دیدن معصوم در دوران میانسالی به او می‌گوید که هیچ‌گاه همسرش را دوست نداشته و حاضر است در صورت ازدواج با معصوم، از همسرش جدا شود. در رمان مثل آب برای شکلات «پدرو» نیز هیچ‌گاه روسورا را دوست نداشته و همواره احساس خود را پنهان می‌کند تا جایی که روسو را بیش‌تر شب‌ها صدای گریه او را می‌شنود و عاقبت همین انزوا طلبی‌ها سبب می‌شود که پدرو، چون شمع خاموش شود و با مرگ ناگهانی خود، خانواده را تنها بگذارد.

زنان، قربانیان خشونت‌های جنگ

در هر دو داستان، در برشی کوتاه به فضای انقلاب و بعد از آن و جنگ و تبعات آن اشاره شده است؛ زیرا پس از هر انقلابی، جریانانی دست به سوء استفاده می‌زنند و هر دوی این رمان‌ها به این آسیب‌ها اشاره دارند. در رمان «سهم من» زنان به صورت غیر مستقیم در معرض خشونت‌های جنگ قرار می‌گیرند و تبعات روحی آن را به دوش می‌کشند. مانند به زندان افتادن و اعدام شدن آقای فخرالدین زارعی یا همان آقای شیرزادی، پیوستن پسر کوچک معصوم به حزب مجاهدین، اعدام حمید و بیوه شدن معصوم؛ اما در رمان «مثل آب برای شکلات»، زنان به شکل مستقیم در معرض آسیب‌های جنگی قرار می‌گیرند و چون سلاحی برای دفاع از خود ندارند، جسم و روحشان در هم می‌شکند. مانند اصابت ناگهانی گلوله به ناچا، تجاوز به چنچا توسط شورشیان، پیوستن گروتردیس به ارتش انقلابی و قربانی شدن مادر و خواهر تروینو.

زنها عامل تثبیت و گسترش مردسالاری

به طور کلی، در این دو اثر، سه تیپ شخصیتی وجود دارد که تا آخر داستان، هیچ تغییری نمی‌کنند. تیپ مرد، تیپ زن و تیپ مادر. نویسندگان این دو داستان سعی

ندارند، تصویری مثبت یا منفی از شخصیت‌های زن داستان ارائه دهند؛ بلکه می‌کوشند چهره واقعی آن‌ها را با تمام جنبه‌های مثبت و منفی، سختی‌ها و رنج‌ها و شادی‌های‌شان به تصویر بکشند.

| تیپ مرد | تیپ زن | تیپ مادر |
|-------------------------------|-------------|------------------------------------|
| پدر و برادران معصوم- پدر تینا | معصوم- تینا | مادر معصوم(خانم جون)- مادر النا |

به عقیده فمینیست‌ها، در جامعه پدر سالار، مادر از همه شوربخت‌تر است؛ مانند مادر معصوم و مادر النا. مادر معصوم از پدر معصوم هم، متعصب‌تر است. او بی‌چون و چرا همه چیز را پذیرفته، از این رو می‌خواهد دخترش نیز بپذیرد. ماما النا، نیز شخصیتی است که در مقابل قهرمان «مثل آب برای شکلات»، قد علم می‌کند. او با اقتداری سنتی، نمادی از زن سالاری است. زورگویی و سلطه جویی‌های بی‌رحمانه و سنگدلانه، ریشه در بدبینی‌هایش دارد، او با این سخت‌گیری‌ها، ابتدا همسر و سپس دخترانش را برای همیشه از دست می‌دهد.

در واقع مادرها، در این دو رمان، نماینده یک زن ایده آل جامعه مرد سالار هستند. آنان شخصیتی کاملاً منفعل و مطیع دارند و ارزش‌های جامعه مرد سالار را به طور کامل و تمام، پذیرفته‌اند. این جمله معروف دوبوآر که «هیچ کس، زن متولد نمی‌شود، بلکه زن می‌شود» بیانگر همین موضوع است (بشر دوست، ۱۳۹۰ش: ۱۶۵). در رمان مثل آب برای شکلات، در توصیف احساس تینا نسبت به مادرش آمده: «نمی‌توانست خود را از این حس خلاص کند که هر لحظه ممکن بود، مجازات خوفناکی از آسمان بر سرش نازل شود. الطاف ویژه ماما النا برای او. با این احساس بیگانه نبود. همان ترسی بود که هر وقت، بدون استفاده از دست نوشته، آشپزی می‌کرد، همراهش بود. همیشه می‌دانست وقتی این کار را بکند، ماما النا می‌فهمد و به جای آنکه او را برای ابتکارش، تشویق کند، به دلیل خودسری‌هایش به باد ناسزا می‌گیرد و هر چه از دهانش در می‌آید، بارش می‌کند. با این همه در برابر وسوسه زیر پا گذاشتن فرامین خشک و انعطاف‌پذیری که مادرش در آشپزخانه و زندگی به او تحمیل می‌کرد، نمی‌توانست مقاومت کند. (اسکوئیول، ۱۳۸۶ش: ۱۲۷).

در نتیجه آشکارا مشاهده می‌شود؛ این دست زن‌ها که نقش مادری را پذیرفته‌اند، متعصب‌تر از مردان هستند و همواره با بداخلاقی، بیماری‌های طولانی، وقت تلف کردن‌ها، زدن و فحاشی و غیره در صدد انتقام گرفتن بر می‌آیند. در رمان «سهم من»، معصوم به هیچ وجه راضی به ازدواج نیست، به همین علت به شدت از مادر کتک می‌خورد: «خانم جون نمی‌توانست زیر تخت بیاید، دستش را هم دراز کرد، موهایم را در چنگ گرفت و با کمک همان موها مرا از زیر تخت بیرون کشید... همانطور که مچاله شده بودم با نفرت نگاهش کردم، در دستش یک مشت موی من مانده بود، از همه‌شان متنفر بودم» (صنّیعی، ۱۳۸۲ش: ۱۰۱).

تسلیم محض بودن و سکوت اختیار کردن

«مهم‌ترین وجه مشترک آثار زنان، شخصیت راوی قصه‌ها است. قصه‌ها عادتاً از ضمیر زنی نقل می‌شود و این زن عادتاً ساکت است و صبور است و منفعل» (سپانلو، ۱۳۸۱ش: ۱۲۶). از این رو نویسندگان این دو رمان، جلوه‌هایی از نظام و فرهنگ مرد سالار و ستم‌دیدی و محرومیت زنان را، از نظر حقوق فردی و اجتماعی به عنوان واقعیت‌هایی که باید تغییر کند، بازتاب داده‌اند. دو شخصیت محوری داستان‌ها، هرچند تلاش می‌کنند تا در جریان وقایعی که رخ می‌دهد، نسبت به عقاید دست دوم و تکراری اعتراض کنند و آن‌ها را از بین ببرند و اثبات کنند که بسیاری از ارزش‌هایی که بدون منطق و پرسشگری پذیرفته شده، نادرست است؛ هرچند در اجرای این تفکرات موفق نیستند.

بارزترین نمونه تسلط نظام مرد سالاری بر زنان در این بخش از تفکرات فمینیستی، سلب اختیار از آنان در دخل و تصرف و تعیین سرنوشت خویش است. در هر دو رمان همواره دیگران، سهم آنان را از زندگی، برایشان مقدر می‌کردند و نگاه جامعه و خانواده به آنان، تحت تأثیر اعضاء خانواده بود. زمانی که معصوم زن میان‌سالی شده و اتّفاقی مسعود، عشق دوران نوجوانی خود را می‌بیند در برابر پیشنهاد ازدواج او، تصمیم ازدواج را به فرزندانش، واگذار می‌کند. آنان مخالفت می‌کنند و هر کدام به نوبه خود، ازدواج دوباره معصوم را نوعی بی‌آبرویی می‌دانند. معصوم که دیگر خسته از جنگیدن با زندگی

است در برابر مخالفت فرزندان با ازدواج، انگیزه‌ای برای طلب کردن سهم خود از زندگی ندارد و اینکه دیگران برای او تصمیم بگیرند، برایش امری طبیعی است. در رمان «مثل آب برای شکلات» نیز هنگامی که دکتر جان براون به تینا پیشنهاد ازدواج می‌دهد و با مخالفت مادرِ اِلنا مواجه می‌شود، تینا انگیزه‌ای برای طلب کردن سهم خود از زندگی ندارد و سکوت پیشه می‌کند.

مردان خوب در کنار مردان بد

از دیرباز «برخی بر آن‌اند که باید نقش مرد در زندگی زن حذف شود و بعضی دیگر خواهان حفظ این نقش هستند» (نجم عراقی، ۱۳۸۲ش: ۲۴۵). در این دو داستان، نویسندگان به حفظ این نقش می‌اندیشند و زندگی عادی و بدون دغدغه را در تسلاوی حقوق زن و مرد می‌داند، که در این رابطه، زن و مرد چون سیم‌های زیر و بم تار، آهنگی هم آهنگ می‌نوازند. از این رو در روند هر دو داستان، گاهی مردان خوب با بزرگداشت و پاسداشت زنان، نقش ایفا می‌کنند؛ تا در تقابل، ذهنیت مرد سالاری را که از گذشته در ذهن جامعه رسوخ کرده است، نمایان سازند.

حمید همسر معصوم، بر خلاف پدر و برادرهای معصوم، مردی روشنفکر و معتقد به یکسانی حقوق زن و مرد است. او در شب خواستگاری به معصوم می‌گوید: «امان از دست این زنای قدیمی، اصلاً مفهوم ازدواجو درک نمی‌کنن. زنو یک زنجیری می‌دونن برای بستن دست و پای مرد بیچاره در صورتی که مفهوم ازدواج همراهی، تفاهم، پذیرش خواست‌های طرفین و حقوق مساویه...» (صنیعی، ۱۳۸۲ش: ۱۳۰) و چنین ادامه می‌دهد: «پس تو رو مجبور کردند که سر سفره عقد بنشینی و نداشتند به مدرسه که خواست مشروعت بوده بری؟ تو باید حقتو به زور هم که شده می‌گرفتی، اگه کسی زیر بار زور نمی‌رفت این همه زورگو توی دنیا پیدا نمی‌شد...» (صنیعی، ۱۳۸۲ش: ۱۲۴).

گذشته از حمید، مردان مثبت دیگری چون آقای زرگر، آقای شیرزادی، همکاران اداری معصوم، خسرو شوهر پروانه، صادق خان شوهر فاطمی نیز در داستان حضور دارند که او را به شدت، متوجه تضادهایی کرده بودند که در خانواده خود دیده بود.

در رمان مثل آب برای شکلات نیز، علاوه بر پدر، دکتر جان براون، نیز از مردانی است که همواره در کنار تینا و خانواده‌اش حضور دارد و بارها جان تینا را نجات داد. در طول مشاجره، مادر النا سر و صورت تینا را مجروح می‌کند، که نتیجه آن شکستن بینی و دست تینا و زندانی شدن در کبوتر خان است. روز بعد دکتر «جان براون» که پزشک خانواده است به دستور ماما النا مأمور می‌شود او را به دیوانه‌خانه تحویل دهد؛ اما دکتر، دستور را نادیده گرفته و تینا را به خانه خود، می‌برد؛ تا او را مداوا کند. «در آن روزها، تینا هرگز قادر نبود؛ آنطور که باید از او سپاسگزاری کند، فقط می‌دانست که هرگز نمی‌خواهد به مزرعه برگردد» (اسکوئیول، ۱۳۸۶ ش: ۹۷-۹۸).

چنین مردانی از قید و بندهای سنت‌های کهنه، خوششان نمی‌آید و چنین مردانی، جوهره‌ی دیدگاه‌های فمینیستی را روشن می‌کند. در رمان مثل آب برای شکلات، هنگامی که در شب خواستگاری تینا به دکتر براون می‌گوید که همواره پدر را دوست داشته و علاقه‌ای به او ندارد، دکتر جان می‌گوید: «تینا برای من مهم نیست که تو چه کرده‌ای. در زندگی مواردی پیش می‌آید که اگر اساس موضوع را تغییر ندهد، نباید چندان جدی گرفته شود. چیزی که تو به من گفتی فکر مرا عوض نمی‌کند؛ باز هم می‌گویم، برای من نهایت خوشبختی است که تا آخر عمر همدم تو باشم؛ اما تو باید خوب فکرها را بکنی که آیا من مناسب تو هستم یا نه. اگر جوابت مثبت است می‌توانیم چند روز دیگر پیوندمان را جشن بگیریم. اگر منفی باشد، من اولین کسی خواهم بود که به پدر تو تبریک می‌گویم و از او می‌خواهم احترامی که شایستگی‌اش را داری تقدیمت کند» (اسکوئیول، ۱۳۸۶ ش: ۲۱۳).

نتیجه بحث

با مقایسه دیدگاه‌های نویسندگان در این دو رمان، که از زبان یک زن روایت می‌شود آشکار می‌گردد این دو رمان، نمونه‌های ممتازی از داستان‌های رئالیستی هستند. یکی از ویژگی‌های داستان‌های رئالیستی توصیف دقیق نویسنده از وقایع، زمان و مکان شخصیت‌ها است. این نوع داستان‌ها معمولاً یک نمای نزدیک (Chose up) از حوادث را نشان می‌دهند. سبک نگارش، در هر دو رمان، وصفی است. هر دو نویسنده با دیدگاهی

فمینیستی، جایگاه فرودست زنان و فراز و نشیب‌های زندگی آنان را با اسلوب خاص خود، به تصویر کشیده‌اند.

هر دوی این رمان‌ها، در زمره رمان‌های اجتماعی هستند و همه چیز حول قهرمان اصلی داستان می‌گذرد. جدا از خاصیت نثر روان و صمیمی داستان‌ها، طراحی فضای اجتماعی و فرهنگی داستان‌ها به گونه‌ای است که مخاطب را به تفکر وا می‌دارد؛ زیرا هر دو نویسنده، با شناختی تازه از موقعیت و جایگاه زن و با شهامت و صداقت، نگرانی‌ها، دلواپسی‌ها و کابوس‌های جامعه‌ای ترس‌زده و خسته از فشارهای طاقت‌فرسای کار در خانه و خارج از خانه را به جهان داستان خود، وارد کرده‌اند. نتیجه حاصل از بررسی این دو داستان که از موضوع اجتماعی مشابهی بهره برده‌اند، نشان می‌دهد که نویسندگان در انتقال پیام به مخاطب، موفق بوده‌اند؛ هرچند به علت فضا سازی و تنوع در شخصیت‌پردازی، اعتراض به بی‌عدالتی، تبعیض و اختلاف طبقاتی در داستان صنیعی، بیش‌تر خودنمایی می‌کند.

نویسندگان این دو رمان، برای بیان اندیشه‌ها و دیدگاه‌های خود، علاوه بر انتخاب موضوع محوری زنان، با رویکردی توصیفی و واقع‌گرا، تلاش کرده‌اند، تا با ترسیم وضع زن و بازنمایی موقعیت آنان در جامعه و خانواده و با انتقاد از معیارهای جامعه مرد سالار، مخاطب را از وضع موجود آگاه سازند و هدفشان از این آگاهی بخشی، واژگون سازی معیارها و بهبود وضعیت کنونی بوده است.

کتابنامه

اسکوئیول، لورا. ۱۳۸۶ش، *مثل آب برای شکلات*، ترجمه مریم بیات، چ هفتم، تهران: نشر روشنگران و مطالعات زنان.

بشر دوست، مجتبی. ۱۳۹۰ش، *موج و مرجان*، تهران: نشر سروش.

تسلیمی، علی. ۱۳۹۵ش، *نقد ادبی نظریه‌های ادبی و کاربردهای آن‌ها در ادبیات فارسی*، چ سوم، تهران: نشر اختران.

حسنی، محمد رضا. ۱۳۸۸ش، *تحلیل آثار نویسندگان بزرگ فرانسه در قرن بیستم*، تهران: نشر بازتاب نگار.

روباتام، شیلا. ۱۳۸۷ش، *زنان در تکاپو*، ترجمه حشمت الله صباغی، چ دوم، تهران: نشر شیرازه.

سارسه، میشل ریو. ۱۳۸۵ش، *تاریخ فمینیسم*، ترجمه عبدالوهاب احمدی، تهران: نشر روشنگران و مطالعات زنان.

سپانلو، محمد علی. ۱۳۸۱ش، *نویسندگان پیشرو ایران*، چ ششم، تهران: نشر نگاه.

شمیسا، سیروس. ۱۳۸۱ش، *نقد ادبی*، چ سوم، تهران: نشر فردوس.

صنّعی، پرینوش. ۱۳۸۲ش، *سال‌های ابری*، چ سوم، تهران: نشر روزبهان.

فروم، اریک. ۱۳۸۸ش، *هنر عشق ورزیدن*، ترجمه سمیه سادات آل حسینی، تهران: نشر جاجرمی.

کرس میر، کارولین. ۱۳۹۰ش، *فمینیسم و زیبایی‌شناسی (زن در تحلیل‌ها و دیدگاه‌های زیبایی‌شناسی)*، بازگردان افشنگ مقصودی، چ دوم، تهران: نشر گل آذین.

مکاریک، ایرناریما. ۱۳۸۴ش، *دانشنامه نظریه ادبی معاصر*، برگردان مهران مهاجر و محمد نبوی، تهران: نشر آگه.

نجم عراقی، منیژه و دیگران. ۱۳۸۲ش، *زن و ادبیات*، تهران: نشر چشمه.

نوردبی، ورنون و کالوین هال. ۱۳۸۶ش، *راهنمای زندگی‌نامه و نظریه‌های روان‌شناسان بزرگ*، بازگردان احمد به پژوه و رمضان دولتی، چ سوم، تهران: نشر منادی تربیت.

هام مگی، سارا. ۱۳۸۲ش، *فرهنگ نظریه‌های فمینیستی*، بازگردان فیروزه مهاجر و دیگران، تهران: نشر توسعه.

یزدانی، عباس و بهروز جندقی. ۱۳۸۲ش، *فمینیسم و دانش‌های فمینیستی*، تهران: نشر دفتر مطالعات و تحقیقات زنان.

کتاب انگلیسی

Wehmeier. Oxford advanced learner s dictionary 1381.. Tehran. Andisheh

مقالات

آزند، یعقوب. ۱۳۷۴ش، «انواع رمان»، نشریه ادبیات داستانی، سال سوم، شماره ۳۵، صص ۱۰-۱۵.

Bibliography

- Squill, Laura. 2007, *Mesle Ab Baraye Shokolat*, translated by Maryam Bayat, V 7, Tehran: Roshangaran Publishing and Women's Studies .
- Bashar Doost, Mojtaba. 2011, *Moj va Marjan*, Tehran: Soroush Publishing .
- Taslimi, Ali 2016, *Literary Criticism of Literary Theories and Their Applications in Persian Literature*, V III, Tehran: Akhtaran Publishing .
- Hassani, Mohammad Reza 2009, *Analysis of the Works of Great French Writers in the Twentieth Century*, Tehran: Bazetabnegar Publishing .
- Robotam, Shila. 2008, *Women in Struggle*, translated by Heshmatollah Sabbaghi, V II, Tehran: Shirazeh Publishing .
- Sarse, Michelle Rio. 2006, *History of Feminism*, translated by Abdolvahab Ahmadi, Tehran: Roshangaran Publishing and Women's Studies .
- Spanloo, Mohammad Ali 2002, *Leading Writers of Iran*, V 6, Tehran: Negah Publishing .
- Shamisa, Sirus. 2002, *Literary Criticism*, V III, Tehran: Ferdows Publishing.
- Saniei, Parinush, 2003, *Salhaye Abri*, 3rd ed., Tehran: Roozbehan Publishing .
- Forum, Eric. 2009, *The Art of Making Love*, translated by Somayeh Sadat Al Hosseini, Tehran: Jajarmi Publishing .
- Cress Mir, Caroline. 2011, *Feminism and Aesthetics (Women in Aesthetic Analyzes and Perspectives)*, translated by Afshang Maghsoudi, V II, Tehran: Gol Azin Publishing .
- Makarik, Irnarima. 2005, *Encyclopedia of Contemporary Literary Theory*, translated by Mehran Mohajer and Mohammad Nabavi, Tehran: Agha Publishing .
- Iraqi Najm, Manijeh and others. 2003, *Women and Literature*, Tehran: Cheshmeh Publishing.
- Nordby, Vernoon and Calvin Hall. 2007, *A guide to the biographies and theories of great psychologists*, translated by Ahmad Behpajoo and Ramazan Dolati, V III, Tehran: Manadi Tarbiat Publishing .
- Ham Magi, Sarah. 2003, *Culture of Feminist Theories*, translated by Firoozeh Mohajer and others, Tehran: Tose'e Publishing.
- Yazdani, Abbas and Behrooz Jandaghi. 2003, *Feminism and Feminist Sciences*, Tehran: Publication of the Office of Women's Studies and Research.

Wehmeier. Oxford advanced learner s dictionary 1381.. Tehran. Andisheh

Articles

Ajand, Yaghub. 1995, "Types of novels", Journal of Fiction, Third Year, No. 35, pp. 10-15.

A Comparative Study of Feminist Perspectives in the Novels of Salhaye Abri and Mesle Ab Baraye Shokolat

Neda Morad

Instructor, Department of Persian Language and Literature, Shahid Rajaei Farhangian University, Qazvin

Amir Hamzeh Hassanvand

Lecturer of Persian Language and Literature, Islamic Azad University, Khorramabad Branch

Hoda Mashhadizadeh

PhD in Persian Language and Literature, Kish Campus, University of Tehran

Abstract

Comparative literature is a field of literary research in which the works of two or more authors from two different languages and nationalities are compared with each other. In the meantime, writers influence each other in their illustrations, the way of expressing their emotions, the choice of formats and themes, and the translations. In this article, feminist perspectives in the novel "Salhaye Abri" by Parinoosh Saniei and "Mesle Ab Baraye Shokolat" by Laura Squiol are read from a feminist perspective in an introduction and two discourses, using a descriptive-analytical method with example. The study and analysis of the feminist perspectives of these two novels shows that the attempt to identify and represent the oppression of women and their lost rights in the patriarchal system has been a common feature of these two works. The authors of both novels have expressed the status of women with common themes and subjects. They narrate the vision of the feminist view that patriarchy has infiltrated the minds and languages of societies, and that one way to clear this mentality is to bow down and honor women.

Keywords: novel, comparative literature, patriarchy, woman.